

تحریم اقتصادی؛ فرصت‌ها و راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در تأمین منافع ملی



حسین مسعودنیا*

علی ابراهیمی**

اسدالله مرادی***

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۰/۲۲ تاریخ پذیرش: ۹۲/۶/۲۲

چکیده

در طول عمر ۳۵ ساله انقلاب اسلامی، همواره تحریم‌های اقتصادی یکی از راهبردهای ایالات متحده در مقابله با سیاست‌ها و رویکردهای جمهوری اسلامی ایران به دلیل ماهیت ضدژئوپولیتیک آن بوده است؛ از این رو، پژوهش حاضر درصدد است تا به این پرسش پاسخ دهد که در بستر تحریم‌های اقتصادی چه فرصت‌ها و راهبردهایی پیش‌روی جمهوری اسلامی ایران برای تأمین منافع ملی و اهداف انقلاب اسلامی وجود دارد؟ روش پژوهش این مقاله توصیفی و تحلیلی است و ابزار گردآوری اطلاعات به صورت مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی شامل کتاب‌ها، مقالات تخصصی و اینترنت انجام شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد، جمهوری اسلامی ایران از این قابلیت برخوردار است که با عملیاتی کردن راهبردهای اقتصاد مقاومتی نظیر؛ طراحی و تدوین دیپلماسی انرژی فعال و کارآمد در سیاست خارجی، کاهش وابستگی به نفت، استفاده از مزیت‌های ترانزیتی و انتقال انرژی از خاک ایران، بهره‌گیری از ظرفیت‌های ناشی از کاهش ارزش پول ملی در شرایط تحریم، اتخاذ سیاست منطقه‌گرایی فعال و گسترش روابط با دیگر کشورهای جهان، نه تنها اثرات تحریم‌ها را خنثی کند، بلکه از شرایط تحریم به‌عنوان فرصتی در راستای ارتقای امنیت و تأمین منافع ملی خود استفاده کند.

واژه‌های کلیدی: تحریم اقتصادی، فرصت‌ها و راهبردها، منافع ملی، اقتصاد

مقاومتی، جمهوری اسلامی ایران

طبقه‌بندی JEL: N1، N3، N4، N10

hmass2005@yahoo.com

ebrahimia@yahoo.com

moradi.asad1990@gmail.com

* استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

** کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)

*** کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه اصفهان



مقدمه

نگاهی به تاریخ جمهوری اسلامی ایران که بیش از سه دهه از عمر آن می‌گذرد، بیانگر آن است که سطح روابط بین ایران و ایالات متحده امریکا، به واسطه ماهیت حاکم بر فرهنگ سیاسی^۱ و ایدئولوژی اسلامی انقلاب ایران، از دشمنی شدید تا انزجار دیپلماتیک در نوسان بوده است. طی این سال‌ها ایالات متحده از حربه‌های گوناگون و بهانه‌های مختلف برای تغییر رژیم و یا مقابله با سیاست‌ها و رویکردهای نظام اسلامی بهره گرفته است. یکی از این راهبردها، اعمال تحریم‌های اقتصادی به صورت یک‌جانبه است. همچنین استراتژی دولت امریکا در دهه اخیر برای جلوگیری از پیشرفت‌های هسته‌ای ایران این بوده است که از طریق جلب حمایت هم‌پیمانان غربی خود و رسیدن به یک اجماع جهانی با پشتوانه حقوقی و حمایتی نهادهای بین‌المللی، تحریم‌های یک‌جانبه را به سمت تحریم‌های چندجانبه و همه‌جانبه (بین‌المللی) هدایت کند.

با توجه به اعمال تحریم از سوی کشورهای سلطه‌طلب علیه جمهوری اسلامی ایران، به نظر می‌رسد نظام اقتصادی ایران به تدریج به صورت اقتصادی برپایه تحریم شکل گرفته است. یعنی نظام اقتصادی به مثابه یک ارگانسیم توانسته خود را مطابق با شرایط سخت تحریم سامان‌دهی کرده و همگام با تحریم‌ها پیش رود. اما بی‌شک اعمال تحریم‌ها بر اقتصاد متکی بر درآمدهای نفتی ایران به ویژه در بخش‌های انرژی و صنعت نفت صدمه‌های جبران‌ناپذیری وارد کرده است. همچنین در زمینه تولید، اشتغال، تورم، نوسانات نرخ ارز و در نتیجه کاهش ارزش ریال هزینه‌هایی را بر

کشور تحمیل کرده است. این صدمه‌ها ناشی از این است که نظام اقتصادی ایران همواره از فقدان الگو و راهبردی مشخص برای مدیریت اقتصاد و مقابله با چالش‌ها و بحران‌های ناشی از تحریم‌ها رنج می‌برد. به این سان، پژوهش حاضر تلاش می‌کند تا به این پرسش پاسخ دهد که در شرایط تحریم‌های اقتصادی چه فرصت‌ها و راهبردهایی پیش‌روی جمهوری اسلامی ایران برای تأمین منافع ملی وجود دارد؟ فرضیه پژوهش این است که کشورهایی که از موقعیت ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و نقاط قوت اقتصادی متعددی برخوردارند، در شرایطی که با اعمال تحریم‌های اقتصادی روبه‌رو شوند، با به‌کارگیری صحیح ظرفیت‌های خود می‌توانند در راستای مقابله با پیامد تحریم‌ها و حتی تأمین منافع ملی گام بردارند. بر همین اساس این پژوهش بر آن است که اگرچه تحریم‌های اقتصادی غرب علیه ایران چالش‌هایی را در پی داشته است، اما این فشارها باعث شده است تا ملت ایران به سمت خودباوری، خودکفایی و ارتقای تولید ملی گام بردارد و در جهت خنثی‌سازی اثرات تحریم‌ها و درنهایت تأمین منافع ملی تلاش کند. اما رسیدن به این مهم نیازمند عملیاتی کردن راهبردهای اقتصاد مقاومتی مانند طراحی و تدوین دیپلماسی انرژی فعال و کارآمد در سیاست خارجی، استفاده از مزیت‌های ترانزیتی و انتقال انرژی از خاک ایران و گام برداشتن در پرتو فرصت‌هایی که در شرایط رویارویی با تحریم‌های اقتصادی به دست می‌آیند، از قبیل فرصت کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی، بهره‌گیری از ظرفیت‌های ناشی از کاهش ارزش پول ملی، اتخاذ سیاست منطقه‌گرایی فعال و گسترش تعامل و همکاری با دیگر کشورهای جهان، می‌باشد.

۱. مباحث نظری تحریم

اصطلاح تحریم^۱ عبارت است از افناعتی نظام‌یافته از برقراری روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی یا نظامی یک یا چند دولت یا گروهی خاص، برای تنبیه یا واداشتن به رفتار مورد قبول. تحریم ممکن است عام، یعنی شامل همه کالاها و خدمات و یا خاص و محدود به یک نوع یا دسته خاصی از کالاها باشد (ایوانز و

نونام، ۱۳۸۱: ۹۶). پژوهشگران، تحریم را به‌عنوان دست‌کاری روابط اقتصادی به‌منظور دستیابی به اهداف سیاسی توصیف می‌کنند که به‌منظور مجبور کردن کشور هدف به تغییر سیاست یا حکومت خود از طریق تنبیه اقتصادی مورد استفاده قرار می‌گیرد (منصوری، ۱۳۸۹: ۳۴۴). از این منظر می‌توان گفت، تحریم هر محدودیتی به‌ویژه در فعالیت‌های اقتصادی است که به یک کشور خارجی، به دلایل سیاست ملی تحمیل می‌شود (GAO, 2007: 1).

یکی از مهم‌ترین و پرکاربردترین انواع تحریم‌ها، تحریم‌های اقتصادی هستند که به‌معنی بایکوت کردن و منع معامله با دولتی، منع صادرات و واردات با دولتی و از دولتی در روابط بین‌الملل است. از این منظر می‌توان استدلال کرد، تحریم‌های اقتصادی بیانگر اقدامات عامدانه یک حکومت برای وارد کردن محرومیت اقتصادی بر دولت یا جامعه هدف از طریق محدودیت یا توقف روابط اقتصادی معمول است. تا آنجا که تحریم‌های اقتصادی را جانشینی برای استفاده از قدرت نظامی می‌دانند که به دولت تحریم‌کننده اجازه می‌دهد، خشم خود را در قبال برخی اعمال خاص، ابراز و رفتار دولت هدف را تغییر دهد. **کی.جی. هالستی**^۱، تحریم‌های اقتصادی را این‌گونه تعریف می‌کند: «در تحریم تجاری که یک حکومت برقرار می‌کند، واردات کالاهای خاص یا همه محصولات صادراتی کشور تحریم‌شونده ممنوع می‌شود (هالستی، ۱۳۷۳: ۳۸۰). تا آنجا که می‌توان گفت، تحریم اقتصادی رایج‌ترین مجازات بین‌المللی است که معمولاً در قالب قطع روابط تجاری، ایجاد محدودیت بر عوامل و فعالان اقتصادی، ممنوع کردن سرمایه‌گذاری و روابط تجاری، جلوگیری از دسترسی به برخی کالاها و خدمات، افزایش تعرفه‌های گمرکی، جلوگیری از همکاری مالی و پولی، جلوگیری از صدور فناوری یا تحصیل و اشتغال متخصصان و کارشناسان و مانند آن مطرح می‌شوند (بیزدان‌فام، ۱۳۸۵: ۷۹۱).

برخی از محققان و پژوهشگران این حوزه در مورد سیاست به‌کارگیری تحریم‌ها یک هدف خاص را مدنظر قرار می‌دهند. در این زمینه، کی.جی. هالستی معتقد است هدف از تحریم، تغییر ایستارها و رفتارهای داخلی و خارجی کشور

1. K. j. Halsty

تحریم شونده می‌باشد (هالستی، ۱۳۷۷: ۳۷۷). اما عده‌ای دیگر از محققان معتقدند ابزار تحریم که با مقاصد مختلف سیاسی مورد استفاده قرار می‌گیرد، همواره هدف‌های مختلفی را دنبال می‌کند. به عقیده **باری‌ای. کارتر**، در توجیه کاربرد تحریم‌ها سه دلیل عمده را می‌توان نام برد: (۱) ایجاد تغییر در نظام کشور هدف؛ (۲) تغییر سیاست‌ها یا تمایل به تأثیرگذاری در سیاست‌های کشور هدف؛ (۳) تنبیه و مجازات کشور هدف برای نشان دادن مراتب مخالفت نمادین با رویکردها و خط‌مشی‌های آن. علاوه بر این دلایل، کشورهای به‌کارگیرنده سیاست تحریم، از این ابزار برای پیشبرد اهداف مهم دیگری نیز استفاده می‌کنند. نظیر: ایجاد بی‌ثباتی در کشور هدف، کاهش توان نظامی کشور هدف، مقابله با تروریسم و جلوگیری از اشاعه سلاح‌های هسته‌ای و همچنین یکی دیگر از اهدافی که با تحریم‌ها دنبال می‌شود «بازدارندگی» است (علیخانی، ۱۳۸۴: ۴۲-۳۶).

نکته‌ای حائز اهمیت در مورد اهداف تحریم‌ها و بررسی پیشینه و پیامدهای تحریم‌هایی که تاکنون از سوی کشورهای قدرتمند بر دیگر کشورها تحمیل شده، بیانگر این است که این قدرت‌ها هم‌زمان با به‌کارگیری سیاست تحریم، بیش از یکی از این اهداف و یا دلایل توجیهی را دنبال می‌کرده‌اند. تحریم‌های یک‌جانبه امریکا علیه ایران، عراق و لیبی و دیگر کشورها بهترین نمونه این مدعا است.

۲. تاریخچه تحریم‌های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در فوریه ۱۹۷۹ و به‌دلیل ماهیت ضدژمونیک و استکبارستیز آن، زمینه‌های قطع روابط ایران و امریکا فراهم شد. پس از قطع مناسبات سیاسی دو کشور تاکنون، مقامات کاخ سفید به‌منظور دستیابی به اهداف خود در راستای تغییر رژیم جمهوری اسلامی و مقابله با سیاست‌های این رژیم، به ابزارهای متعددی متوسل شده‌اند. یکی از این ابزارها تحریم‌های اقتصادی است. زیرا از قرن هیجدهم میلادی به‌این‌سو، تحریم اقتصادی همواره ابزاری در دست سیاست خارجی امریکا بوده و این تحریم‌ها در امریکا رفته‌رفته به‌صورت یک سنت درآمده است. درواقع تحریم‌ها، جزء جدایی‌ناپذیر سیاست خارجی امریکا هستند. در طول عمر ۳۵ ساله جمهوری اسلامی، همواره تحریم‌های اقتصادی یکی از

راهبردهای امریکا در مقابله با سیاست‌ها و رویکرد جمهوری اسلامی ایران بوده است. در این راستا، اعمال تحریم‌ها از نوامبر ۱۹۷۹، پس از تصرف سفارت امریکا در تهران آغاز شد (Jentleson, 2007: 8). در دوره ریاست‌جمهوری کارتر، ایران چندین بار مورد تحریم‌های یک‌جانبه امریکا قرار گرفت. این تحریم‌ها شامل ممنوعیت واردات نفت از ایران، مسدود شدن دارایی‌های ایران در مؤسسات و بانک‌های بین‌المللی و امریکایی، ممنوعیت صادرات کالا به ایران و ممنوعیت واردات کالا از ایران بود.

به‌رغم حل بحران گروگان‌گیری در زمان کارتر، دولتمردان امریکا در دوره **ریگان** نیز با استناد به برخی استدلال‌ها همچون حمایت ایران از سازمان‌های (به‌اصطلاح) تروریستی، یک دور جدید از تحریم‌های تجاری براساس قوانین ایالات متحده علیه ایران وضع کردند و روزه‌روز بر شدت آنها افزوده شد (Ilias, 2010: 3). در طول جنگ ایران با عراق، دولت امریکا تلاش گسترده‌ای را برای جلوگیری از فروش تجهیزات نظامی به ایران انجام داد. دامنه این تحریم‌های صورت‌گرفته شامل منع همه واردات از ایران به امریکا و منع صادرات و اعمال مجازات برای شرکت‌های امریکایی که قصد سرمایه‌گذاری در ایران را داشتند و... به ایران در دوره **ریگان**، پایان دادن به کمک‌های اقتصادی به ایران و... در زمان **جرج بوش پدر** و جلوگیری از سرمایه‌گذاری شرکت‌های خارجی در صنعت نفت ایران و اعمال تحریم ثانویه در مورد ایران و تصویب و اجرای طرح داماتو در زمان **کلینتون** که تحریم اقتصادی ایران را وارد مرحله نوینی کرد، می‌باشد.

همچنین از سال ۲۰۰۲ به بعد به‌دنبال اینکه پرونده هسته‌ای ایران وارد حادثه‌ترین وضعیت خود شد، و به‌نوعی مهم‌ترین چالش بین ایران با غرب در دهه اخیر شکل گرفت، ما شاهد دور جدیدی از تحریم‌های اقتصادی در سطح بین‌المللی علیه ایران هستیم. پیرو مسئله هسته‌ای ایران، کنش‌ها و واکنش‌های فراوانی میان ایران و امریکا صورت گرفته است. پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، موضوع کسب فناوری هسته‌ای توسط ایران مغایرتی با منافع امریکا نداشت. در واقع با توجه به شرایط حاکم در زمان جنگ سرد، هسته‌ای شدن ایران به‌عنوان یکی از قابل‌اعتمادترین هم‌پیمانان امریکا تا حد زیادی می‌توانست منافع امریکا را در منطقه

بهبود بخشد (Cordesman & Al-Rodhan, 2006: 20). اما امروزه دولتمردان امریکا به دنبال جلب حمایت هم‌پیمانان غربی و رسیدن به یک اجماع جهانی در صدد مقابله با فعالیت‌های هسته‌ای ایران برآمده‌اند. در این راستا ما شاهد شکل‌گیری محور فراآتلانتیک متشکل از ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپایی و امریکا و کانادا هستیم. از نظر دول این محور، اجرای دیپلماسی تحریم و فشارهای اقتصادی، تجاری، بانکی و مسدود کردن منابع پولی ایران به جای کاربرد زور، راهکاری کم‌هزینه‌تر و مؤثرتر در برخورد با فعالیت‌های هسته‌ای ایران قلمداد می‌شود.

ایالات متحده در جهت جلوگیری از پیشرفت‌های هسته‌ای ایران و مقابله با نظام جمهوری اسلامی ایران، با اتخاذ رویکرد جدید و به کمک همان ابزار همیشگی سیاست خارجی خود، یعنی تحریم اقتصادی و با پشتوانه حقوقی و حمایتی نهادهای بین‌المللی، در تلاش بوده است تا تحریم‌های یک‌جانبه را به سمت تحریم‌های چندجانبه و همه‌جانبه (بین‌المللی) هدایت کند تا از طریق به‌اشتراک گذاشتن تحریم‌ها بتواند از هزینه‌هایی که تحریم برایش در پی خواهد داشت، بکاهد. در واقع از این مقطع به بعد تلاش‌های ایالات متحده در راستای رسیدن به اجماع جهانی علیه ایران آغاز می‌شود. به این شکل موج جدید تحریم‌های اقتصادی امریکا علیه ایران را باید ناشی از برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران دانست که با ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل، این نهاد براساس فصل هفتم منشور ملل متحد تاکنون قطعنامه‌های ۱۶۹۶ در ۳۱ ژوئیه ۲۰۰۶، ۱۷۳۷ در ۲۳ دسامبر ۲۰۰۶، ۱۷۴۷ در ۲۴ مارس ۲۰۰۷، ۱۸۰۳ در ۳ مارس ۲۰۰۸ و ۱۹۲۹ در ژوئن ۲۰۱۰ را علیه فعالیت‌های هسته‌ای ایران به تصویب رسانده، که هریک از این قطعنامه‌ها موج جدیدی از تحریم‌ها را در زمینه‌های مختلف اقتصادی ایران اعمال کرده است (Krause and & Mallory IV, 2010: 95).

۳. فرصت‌ها و راهبردهای جمهوری اسلامی ایران

به نظر می‌رسد، قدرت گرفتن روزافزون جمهوری اسلامی ایران به واسطه رشد و پیشرفت‌های علمی و اقتصادی، حرکت به سمت توسعه، گسترش نفوذ و ارتقای جایگاه منطقه‌ای ایران، نقش تعیین‌کننده ایران در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی و



پشت سر گذاشتن موانع متعدد داخلی و خارجی توسط مردم ایران و دستیابی به قله‌های ترقی، کشورهای غربی و در رأس آن ایالات متحده آمریکا را به شدت نگران کرده است. تا آنجا که مطالعه دقیق دکتترین امنیت ملی آمریکا به‌عنوان سندی معتبر و اجرایی در سطوح عالی آن بیانگر راهکار ایالات متحده در برخورد‌های نرم‌افزاری با کشور قدرتمند جمهوری اسلامی ایران است که نشان‌دهنده عدم توانایی مقابله آمریکا با ایران و تلاش برای تضعیف ایران از طریق تهدیدات نرم است (حجازی، ۱۳۸۷: ۱۸-۱۷).

از این‌رو، هدف آمریکا از اعمال تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران را می‌توان به زانو درآوردن نظام اقتصادی کشور و تحت فشار قرار دادن ملت ایران به حساب آورد. اما نکته حائز اهمیت در بحث بحران اقتصادی این است که اگرچه بحران اقتصادی یک فاجعه است، اما اقتصاد به‌مثابه یک موجود زنده بوده و از این جهت اقتصاد یک ارگانسیم بیمار است. ناگزیر اقتصاد می‌تواند به‌عنوان یک ارگانسیم در نظر گرفته شود. نتیجه آنکه اقتصاد می‌تواند در شکل یک انسان، با آناتومی، فیزیولوژی، روابط و رفتارهایی ارائه شود (Wang, 2013: 265-266). اقتصاد مانند هر سیستم زنده، با نوسانات دوره‌ای از لحاظ تکامل و مراحل از رشد و کاهش برخوردار است. هنگامی که رفاه اقتصادی با افزایش یا کاهش مواجه می‌شود، ارائه یک حالت تعادل پویا در طبقه‌بندی انعطاف‌پذیر الزامات مورد نیاز برای کل زندگی مشترک مدنظر است. فرایندهایی که طبیعی به‌نظر می‌رسند و همراه با تکامل و تغییر سطح رفاه اقتصادی در زمان و مکان شکل می‌گیرند. هر سیستم زنده از جمله یک اقتصاد، قادر به خودسازمان‌دهی برای انعطاف‌پذیری و توسعه باز، با افزایش پتانسیل تغییر است که می‌تواند عوامل تکنولوژیکی و نهادی را تقویت و با ادغام هماهنگ به کل زندگی معنا بخشد (Burghilea, 2010: 83-84). از این منظر، نکته‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد، این است که از تحریم‌های اقتصادی می‌توان در راستای توسعه اقتصاد ملی و آغاز نوآوری اجتماع و افزایش تولید ملی بهره جست. میزان موفق بودن راهبردهای مقابله با تحریم و بی‌اثرسازی آن به درجه بلوغ یک نظام ملی نوآور بستگی دارد. اگر بهره‌برداری از منابع و امکانات داخلی مقرون‌به‌صرفه‌تر از منابع و روابط تحریمی باشد، می‌توان از این مسئله در راستای

رشد تولید داخلی بهره برد. در این میان، یکی از راهبردهای نظام جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با تحریم‌های ناعادلانه و فشارهای اقتصادی حاصل از آن «اقتصاد مقاومتی» است که همچون پلی، کشور را از پرتگاه‌های خطرناک نجات داده و زمینه‌های پیشرفت و ترقی آن را فراهم می‌کند. مقاله حاضر در ادامه سعی می‌کند مختصات اصطلاح اقتصاد مقاومتی را با تأکید بر دیدگاه‌های مقام معظم رهبری برشمرد.

۴. اقتصاد مقاومتی

جمهوری اسلامی ایران با توجه به ماهیت اسلامی و ضدهژمونیک آن، همواره دستخوش ناملایمات جهانی شده است که نمود آن را می‌توان در تحریم‌های اعمال‌شده از سوی غرب به‌ویژه امریکا، با هدف متوقف کردن برنامه‌های صلح‌آمیز هسته‌ای مشاهده کرد. این موضوع سبب شد تا واژه جدید «اقتصاد مقاومتی» به ادبیات اقتصادی کشور اضافه و به فراخور حال و روز اقتصاد کشورمان مورد بحث قرار گیرد.

۴-۱. مطالعات انجام‌شده در مورد اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی راهکاری برای سروسامان دادن به وضعیت اقتصادی ایران است که تبیین آن برعهده پژوهشگران قرار داده شده است. در این مورد مطالعات و تحقیقاتی انجام شده است که برخی از آنها عبارتند از:

میرمعزی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن»، نشان داده است که از دیدگاه مقام معظم رهبری، اقتصاد مقاومتی شکل خاصی از نظام اقتصادی اسلام است که در وضعیت حمله همه‌جانبه اقتصادی دشمن که کیان نظام اسلامی را به‌خطر می‌اندازد، پدید می‌آید؛ ازاین‌رو، نویسنده اعتقاد دارد نظام اقتصادی اسلام در این وضعیت با تغییر در اولویت هدف‌ها و به‌تبع آن در اصول راهبردی و سیاست‌های کلان و حاکمیت روحیه جهاد بر رفتارهای اقتصادی دولت و مردم، راهبردی کلان طراحی می‌کند که تهدید را تبدیل به فرصت کرده و باعث رشد جهشی می‌شود.

ابراهیمی و زیرک (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «رابطه علی شاخص مقاومتی

و سرمایه‌گذاری در ایران: تحلیل تجربی از اقتصاد مبتنی بر رویکرد مقاومتی»، رویکرد مقاومتی اقتصاد ایران را به‌عنوان مدل دفاعی در برابر تحریم‌های اقتصادی و در راستای تقویت و جذب سرمایه داخلی و خارجی بررسی کرده‌اند. نتایج تحقیق نشان داده است که تغییرات نااطمینانی مربوط به شاخص رویکرد مقاومتی با شرایط موجود اقتصادی کشور به‌ویژه در جذب سرمایه حاکی از رابطه علی بین متغیرهای معنادار شاخص رویکرد مقاومتی است.

تراب‌زاده جهرمی و همکاران (۱۳۹۲) با تدوین مقاله‌ای با عنوان «بررسی ابعاد و مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای»، تلاش کردند تا با استفاده از روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، مدل مفهومی سخنان مقام معظم رهبری را در مورد ابعاد، ویژگی‌ها و الزامات اقتصاد مقاومتی برای تدوین نقشه مهندسی اقتصاد مقاومتی استخراج کنند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد، اهداف اقتصادی مهم‌ترین عنصر در جهت‌دهی فعالیت‌ها هستند و کلیه عوامل اقتصادی باید در راستای تحقق این اهداف حرکت کند.

هنزائویی و زیرکی حیدری (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «اقتصاد مقاومتی؛ راهکار تحول اقتصاد سیاسی ایران» درصدد بودند، با ارائه تصویری از اقتصاد سیاسی ایران از دهه ۱۳۵۰ تاکنون، ضمن شناسایی مسائل و معضلات موجود آن به ارائه راهکاری برای تحول ساختاری ماهیت رانیر اقتصاد سیاسی پردازند که درنهایت راهکار این تحول بنیادین در شرایط کنونی را اتخاذ راهبرد اقتصاد مقاومتی به شرط مدیریتی صحیح، همه‌جانبه و همدلانه و همکاری متقابل همه نیروها دانسته‌اند.

محمدی مقدم و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه اقتصاد مقاومتی، گرایش کارآفرینانه و مدیریت دانش»، به بررسی ارتباط بین اقتصاد مقاومتی، گرایش کارآفرینانه و مدیریت دانش پرداخته‌اند. نتایج تحقیق، گویای این قضیه است که اقتصاد مقاومتی، گرایش کارآفرینانه و مدیریت دانش، دارای رابطه مثبت و معناداری با یکدیگر هستند. براین اساس، سازمان‌های دولتی برای گذار از تأخیر در ارائه خدمات و نارضایتی ارباب‌رجوع، باید ضمن پایبندی به ابعاد اقتصاد مقاومتی، از ابزارهایی چون مدیریت دانش به‌مثابه بستری برای تشویق گرایش‌های

کارآفرینانه افراد استفاده کند.

سیف (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «الگوی پیشنهادی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران»، با بهره‌گیری از بیانات مقام معظم رهبری، الگویی برای اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران شامل مؤلفه‌های رشد اقتصادی، عدالت اقتصادی، ثبات اقتصادی و فنریت اقتصادی پیشنهاد کرده است. در پایان راهبردهای چهارگانه مقابله، خنثی‌سازی، جذب و ترمیم و پخش و تضعیف منطبق بر مسئله تحریم اقتصادی غرب تشریح و مصادیق آنها معرفی شده است.

۲-۴. دیدگاه مقام معظم رهبری درباره اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی مفهوم جدیدی در ادبیات اقتصادی جهان است که نخستین بار در دیدار کارآفرینان با مقام معظم رهبری در شهریور ۱۳۸۹ مطرح شد. در این دیدار، رهبر معظم انقلاب «اقتصاد مقاومتی» را معنا و مفهومی از کارآفرینی معرفی و برای نیاز اساسی کشور به کارآفرینی نیز دو دلیل «فشار اقتصادی دشمنان» و «آمادگی کشور برای جهش» را معرفی کردند.^۱

ایشان ضمن تعریفی از اقتصاد مقاومتی مبنی بر اینکه «در این اقتصاد، هم روند پیشرفت کشور حفظ می‌شود و هم آسیب‌پذیری نظام اقتصادی در مقابل ترفندهای دشمنان کاهش می‌یابد»^۲، به الزاماتی اشاره کردند که براساس ضرورت موضوع می‌توان آنها را به دو دسته بلندمدت-میان‌مدت و کوتاه‌مدت تقسیم کرد:

۱-۲-۴. بلندمدت و میان‌مدت: مربوط به اصلاح نظام اقتصادی کشور

الف - تکیه بر مردم

اقتصادی که به‌عنوان اقتصاد مقاومتی مطرح می‌شود، مردم‌بنیاد است؛ یعنی بر محور دولت نیست و اقتصاد دولتی نیست، اقتصاد مردمی است؛ با اراده مردم، سرمایه مردم، حضور مردم تحقق پیدا می‌کند.^۳ مردمی کردن اقتصاد، جزء الزامات اقتصاد

۱. بیانات رهبری در دیدار جمعی از کارآفرینان سراسر کشور، ۱۳۸۹/۶/۱۶

۲. بیانات رهبری در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۹۱/۶/۲

۳. بیانات رهبری در حرم مطهر رضوی ۱۳۹۳/۱/۱

مقاومتی است. این سیاست‌های اصل ۴۴ که اعلام شد، می‌تواند یک تحول به وجود بیاورد؛ و این کار باید انجام بگیرد. البته کارهایی انجام گرفته و تلاش‌های بیشتری باید بشود. بخش خصوصی را باید توانمند کرد؛ هم که فعالیت اقتصادی تشویق بشوند، هم سیستم بانکی کشور، دستگاه‌های دولتی کشور و دستگاه‌هایی که می‌توانند کمک کنند مثل قوه مقننه و قوه قضائیه - کمک کنند که مردم وارد میدان اقتصاد شوند^۱. ایشان خاطر نشان کردند: «تاکنون در عرصه‌های اقتصادی، کمتر به حضور و امکانات مردم بها داده شده است، درحالی‌که باید زمینه استفاده از توان نیروهای بی‌پایان مردمی اعم از فعالان اقتصادی، کارآفرینان، مبتکران، صاحبان سرمایه و افراد صاحب مهارت فراهم و از آنان حمایت شود و مسئولیت عمده در این خصوص برعهده دولت است^۲.

ب - مقاوم بودن اقتصاد

«هر روش اقتصادی، هر توصیه و نسخه اقتصادی که این دو پایه را بتواند تأمین کند، معتبر است... یکی از آن دو پایه عبارت است از «افزایش ثروت ملی». کشور اسلامی باید کشور ثروتمندی باشد؛ کشور فقیری نباید باشد. باید بتواند با ثروت خود، با قدرت اقتصادی خود، اهداف والای خودش را در سطح بین‌المللی پیش ببرد. پایه دوم «توزیع عادلانه و رفع محرومیت در درون جامعه اسلامی» است. این دو تا باید تأمین بشود. و اولی، شرط دومی است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ۱۰۴). وظیفه همه ما این است که سعی کنیم کشور را مستحکم، غیرقابل نفوذ، غیرقابل تأثیر از سوی دشمن، حفظ کنیم و نگه داریم؛ این یکی از اقتضات «اقتصاد مقاومتی» است که ما مطرح کردیم. در اقتصاد مقاومتی، یک رکن اساسی و مهم، مقاوم بودن اقتصاد است. اقتصاد باید مقاوم باشد؛ باید بتواند در مقابل آنچه که ممکن است در معرض توطئه دشمن قرار بگیرد، مقاومت کند^۳.

۱. بیانات رهبری در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۹۱/۵/۳

۲. بیانات رهبری در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰

۳. بیانات رهبری در حرم مطهر رضوی علیه‌السلام، ۱۳۹۲/۱/۱

اقتصاد دانش بنیان به اقتصادی گفته می شود که در آن تولید، توزیع و اجرای دانش، عامل و محرک رشد اقتصادی، تولید ثروت و اشتغال در تمام صنایع است (معمارنژاد، ۱۳۸۴: ۸۶-۸۵). از دیدگاه مقام معظم رهبری، یک مسئله دیگر در سرفصل اقتصاد مقاومتی، اقتصاد دانش بنیان است... این بخش شرکت های دانش بنیان و فعالیت های اقتصادی دانش بنیان خیلی جاده باز و امیدبخشی است. ما استعداد های برجسته ای داریم که می توانند در این مورد کمک کنند^۱. این اقتصاد، اقتصاد دانش بنیان است؛ یعنی از پیشرفت های علمی استفاده می کند، به پیشرفت های علمی تکیه می کند، اقتصاد را بر محور علم قرار می دهد؛ اما معنای آن این نیست که این اقتصاد منحصر به دانشمندان است و فقط دانشمندان می توانند نقش ایفا کنند در اقتصاد مقاومتی؛ نخیر، تجربه ها و مهارت ها - تجربه های صاحبان صنعت، تجربه ها و مهارت های کارگرانی که دارای تجربه و مهارتند - می تواند اثر بگذارد و می تواند در این اقتصاد نقش ایفا کند^۲.

د - کاهش وابستگی به نفت

کاهش وابستگی به نفت یکی دیگر از الزامات اقتصاد مقاومتی است. یکی از سخت ترین آسیب های اقتصادی ما همین وابستگی به نفت است. این نعمت بزرگ خدادادی برای کشور ما در طول ده ها سال مایه فروریختگی های اقتصادی و فروریختگی های سیاسی و اجتماعی شد؛ باید ما یک فکر اساسی بکنیم. ما نمی گوئیم از نفت استفاده نشود، [بلکه] تکیه ما بر استفاده حداقلی از فروش نفت خام است؛ نفت را می توان به صورت فرآورده در اختیار گذاشت؛ که در این سیاست ها دیده شده^۳.

ه - تبیین دانشگاهی و آکادمیک اقتصاد مقاومتی

آنچه به نظر ما رسیده، اقتصاد مقاومتی بوده، این یک فکر است، یک مطالبه عمومی است. شما دانشجو هستید، استاد هستید، اقتصاددان هستید؛ بسیار خوب، با زبان

۱. بیانات رهبری در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۱/۶/۲

۲. بیانات رهبری در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۳/۱/۱

۳. بیانات رهبری در جلسه تبیین سیاست های اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰

دانشگاهی، همین ایده اقتصاد مقاومتی را تبیین کنید؛ حدودش را مشخص کنید!^۱

۲-۲-۴. کوتاه مدت: برنامه‌ها و امور اجرایی کشور

الف - حمایت از تولید ملی

یک رکن دیگر اقتصاد مقاومتی، حمایت از تولید ملی است؛ به گونه‌ای که، آن بخش درون‌زای اقتصاد ماست و به این بایستی تکیه کرد.^۲ در پرتو این سیاست، دستگاه‌های دولتی باید ضمن حمایت از تولیدگران برای محصولات آنها بازار به وجود آورند و واردات محصولات مشابه خارجی را به دقت کنترل کنند.^۳ اگر ما توانستیم تولید داخلی را رونق ببخشیم، مسئله تورم حل خواهد شد، مسئله اشتغال حل خواهد شد، اقتصاد داخلی به معنای حقیقی کلمه استحکام پیدا خواهد کرد. اینجاست که دشمن با مشاهده این وضعیت، مایوس و ناامید خواهد شد. وقتی دشمن مایوس شد، تلاش دشمن، کید دشمن هم تمام خواهد شد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ۱۰۵).

ب - مدیریت منابع ارزی

باید منابع ارزی را درست مدیریت کرد. اشاره شد به ارز پایه؛ در این زمینه هم حرف‌های گوناگونی از دولت صادر شد. یعنی در روزنامه‌ها از قول یک مسئول، یک جور گفته شد؛ فردا یا دو روز بعد، یک جور دیگر گفته شد. نگذارید این اتفاق بیافتد. واقعاً یک تصمیم قاطع گرفته شود، روی آن تصمیم پافشاری شود و مسئله را دنبال کنید. به هر حال منابع ارزی باید مدیریت دقیق بشود.^۴

ج - مدیریت مصرف

مسئله مدیریت مصرف، یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی است؛ یعنی مصرف متعادل و پرهیز از اسراف و تبذیر. هم دستگاه‌های دولتی، هم آحاد مردم و خانواده‌ها باید به

۱. بیانات رهبری در دیدار با دانشگاهیان، ۱۳۹۱/۵/۱۶

۲. بیانات رهبری در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۱/۶/۲

۳. بیانات رهبری در بازدید از مجموعه صنعتی مینا و دیدار با کارگران، ۱۳۹۳/۲/۱۰

۴. بیانات رهبری در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۱/۶/۲

این مسئله توجه کنند که امروز پرهیز از اسراف و ملاحظه تعادل در مصرف، بلاشک در مقابل دشمن یک حرکت جهادی است؛ انسان می‌تواند ادعا کند که این اجر جهاد فی سبیل‌الله را دارد^۱. البته در این زمینه خطاب اول من متوجه به مسئولان است؛ مسئولان نه فقط در زندگی‌های شخصی خودشان - که حالا آن یک مسئله درجه دو است - [بلکه] در درجه اول و در حوزه مأموریت خودشان باید به جد از ریخت و پاش پرهیز کنند. اگر چنانچه این شد، یعنی ما مسئولین کشور به این اصل پایبند بودیم، آن وقت این روحیه، این خصلت، این اخلاق، سرریز خواهد شد به مردم^۲.

د - استفاده حداکثری از زمان و منابع و امکانات

از زمان باید حداکثر استفاده بشود. طرح‌هایی که سال‌های متمادی طول می‌کشید، امروز خوشبختانه با فاصله کمتری انسان می‌بیند که فلان کارخانه در ظرف دو سال، در ظرف هیجده ماه به بهره‌برداری رسید. باید این را در کشور تقویت کرد^۳.

ه - حرکت براساس برنامه

حرکت براساس برنامه، یکی از کارهای اساسی است. تصمیم‌های خلق‌الساعه و تغییر مقررات، جزء ضربه‌هایی است که به «اقتصاد مقاومتی» وارد می‌شود و به مقاومت ملت ضربه می‌زند. این را، هم دولت محترم، هم مجلس محترم باید توجه داشته باشند؛ نگذارند سیاست‌های اقتصادی کشور در هر زمانی دچار تزلزل و تغییرهای بی‌مورد شود^۴.

از این رو، طرح و پیشنهاد اقتصاد مقاومتی را می‌توان به‌عنوان سازوکاری دفاعی-تکاملی برای تشخیص حوزه‌های فشار و متعاقباً تلاش برای کنترل و بی‌اثر کردن تحریم‌های ناعادلانه اقتصادی و تبدیل آن به فرصت مورد ارزیابی قرار داد که با رویکردی فعالانه به سمت خودکفایی هرچه بیشتر با توسل به راهبردهای اقتصاد

۱. بیانات رهبری در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۹۱/۵/۳

۲. بیانات رهبری در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰

۳. بیانات رهبری در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۹۱/۵/۳

۴. بیانات رهبری در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۹۱/۵/۳

مقاومتی قابل شناسایی است.

۵. طراحی و تدوین دیپلماسی انرژی فعال و کارآمد در سیاست خارجی

توزیع نامتقارن منابع انرژی در عرصه جهانی و روند خالی شدن نامتوازن منابع، در ژئوپلیتیک انرژی، برخی کشورها را در جایگاه صادرکنندگان و برخی دیگر را واردکنندگان عمده قرار داده است. این موضوع که در ارتباط با رقابت برای بازارها و مواد خام قرار دارد، به تغییر در نظام اقتصاد سیاسی جهانی و در مرتبه دیگر به تغییر در نهاد دولت‌ها بازمی‌گردد (Cox, 1994: 49). با توجه به این موضوع، یکی از ابزارهایی که امروزه برای پیشینه ساختن دستاوردها از نظام اقتصاد سیاسی جهانی کاربرد دارد، درپیش گرفتن دیپلماسی انرژی به مثابه ابزاری دیپلماتیک برای حضور در صحنه بین‌المللی، حفظ جایگاه خویش در نظام بین‌الملل و ایجاد بسترهای تعاملی در حوزه مسائل مربوط به انرژی است. بنابراین می‌توان گفت دیپلماسی انرژی عبارت است از: انرژی به مثابه یک ابزار سیاسی برای تأمین منافع ملی. به گونه‌ای که این شکل نوین دیپلماسی مبتنی بر دیپلماسی کنش‌مند، و مستلزم تعامل با دیگر بازیگران برای دستورالعمل‌سازی، تعریف بازی جدید در زمینه تأمین امنیت انرژی فراگیر و تدوین قواعد رفتاری جهانی در بخش انرژی است. به این دلیل که دیپلماسی امروز از حالت امنیتی-سیاسی به دیپلماسی اقتصادی-سیاسی تبدیل شده است، بر هماهنگی و هدفمند بودن دستگاه دیپلماسی و اقتصادی تأکید بیشتری وجود دارد، زیرا قدرت رقابت‌پذیری اقتصاد و ضریب اعتبار و امنیت کشورها را افزایش می‌دهد (پورااحمدی و ذوالفقاری، ۱۳۸۹: ۱۵۸-۱۵۶).

جمهوری اسلامی ایران با توجه به جایگاه منحصربه‌فرد خود در امر انرژی، به‌ویژه نفت و گاز و در وضعیت پیچیده خود در فضای بین‌المللی (که همواره مورد تحریم‌ها و کارشکنی‌های فراوان بوده است) باید درصدد تدوین چارچوبی دقیق برای دیپلماسی انرژی خود باشد. اهمیت این موضوع آگاهی از این قضیه است که دیپلماسی انرژی بدون استراتژی، تداوم چندانی نخواهد یافت و تحقق فرایند معطوف به دیپلماسی انرژی نیازمند بهره‌گیری از استراتژی توسعه منابع و گسترش همکاری‌ها در بازار جهانی است (متقی، ۱۳۹۰: ۱۱).

در واقع، بخشی از ضرورت دیپلماسی انرژی، ناشی از وابستگی متقابل است که میان ایران و مصرف‌کنندگان عمده انرژی حاکم است. در فضای آسیب‌پذیری متقابل و منافع مشترک، با توجه به اینکه بودجه سالانه کشور و توسعه آن تا حد قابل ملاحظه‌ای به درآمدهای نفتی وابسته است (واعظی، ۱۳۸۹: ۱۴۹)، رویکرد حاضر نشان می‌دهد که اگر دولت‌ها بتوانند با پیوندهای اقتصادی، برقراری مجازات و یا ارائه مشوق، از وابستگی متقابل به نفع خود استفاده کنند، قادر می‌شوند انگیزه‌هایی را برای دیگران ایجاد کنند تا با اهداف امنیتی آنها هماهنگ باشد. از این منظر وابستگی متقابل به‌مثابه تنها بازدارنده قدرتمندتر در مقابل هر تحریم و یا بلوکه کردنی به‌کار می‌رود (Verma, 2007: 3296)؛ این استدلال بیانگر این امر است که دیپلماسی انرژی صرف تعامل انرژی میان دو و یا چند کشور که به‌واسطه شبکه انرژی به هم مرتبط شده‌اند، نیست؛ بلکه دیپلماسی انرژی بیانگر وجهی از موضوع است که با الگوی سازمان‌دهی تفکر، پیش از تشویق تعامل و همکاری بیان می‌شود. با چنین کارکردی، امنیت انرژی یعنی «اطمینان از عرضه بسنده انرژی، تا به اقتصاد ملی فرصت داده شود از نظر سیاسی در روالی قابل قبول کار کند» (Miller, 1977:119-120).

در عرصه خارجی، دیپلماسی انرژی ایجاب می‌کند تا اقدامات ویژه‌ای برای شکل دادن به روابط مناسب و روبه‌پیشرفت با کشورهای عضو اوپک و غیر اوپک که از لحاظ ژئوپلیتیک انرژی حائز اهمیت هستند، صورت گیرد؛ از این‌رو، در حالی که به‌واسطه خاص بودن نظام جمهوری اسلامی، ایران با عمده روندهای جاری بین‌المللی ناسازگاری و عدم تطابق دارد، باید برای تحقق اهداف کلان خود و برای پیشبرد آن‌ها به ائتلاف و درنهایت، اتحاد بیاورد؛ زیرا حجم محدود قدرت جمهوری اسلامی در نظام اقتصاد سیاسی جهانی بدون ائتلاف با دیگر واحدهای سیاسی توانایی جامه عمل پوشاندن به تمامی اهداف بلند سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی سیاست خارجی ایران را ندارد (سریع‌القلم، ۱۳۷۰: ۶۴).

برای تحقق یک دیپلماسی انرژی فعال و کارآمد باید به پیش‌زمینه‌های آن توجه کرد و به رصد و شناسایی سیاست‌های انرژی مصرف‌کنندگان، رقبا و تمایز جهت‌گیری‌ها از یکدیگر و بررسی افق‌های پیش‌رو در این زمینه پرداخت. اهمیت موضوع حاضر در این است که مهم‌ترین حلقه پیوند میان اقتصاد ایران با اقتصاد



جهانی، انرژی است.

تدوین سند جامعی در مورد دیپلماسی انرژی کشور به مثابه ابزاری است که نقشی اساسی در پیوند جمهوری اسلامی ایران با جامعه جهانی برقرار ساخته و می‌تواند به عاملی تأثیرگذار در یک ساختار مبتنی بر همکاری‌های بین‌المللی تبدیل شود، زیرا مواضع، خطوط قرمز، راهبردهای و خط‌مشی‌های ایران را در مقوله انرژی معرفی می‌کند و فضای تصمیم‌گیری را برای مسئولان روشن‌تر می‌کند؛ هرچند تحقق این امر مستلزم دقت، تأمل و تلاش بسیار زیاد متخصصان است. در چشم‌انداز صنعت نفت گاز ایران در افق ۱۴۰۴ آمده است: «جمهوری اسلامی ایران در پی حفظ جایگاه ظرفیت دومین تولیدکننده نفت خام در اوپک که مستلزم حفظ فاصله مناسب از نظر ایجاد ظرفیت تولید با سایر رقبای این جایگاه است» ضمن اینکه «دستیابی به جایگاه دوم جهانی در ظرفیت تولید گاز طبیعی با توجه به ضرورت استفاده از مخازن مشترک» یکی دیگر از بندهای این سند می‌باشد. ناگفته نپیداست که تحقق چنین امری مستلزم بهره‌گیری از یک سیاست مناسب در یافتن مصرف‌کنندگان جدید و قابل اطمینان بوده و نیازمند تعاملات مناسب بین‌المللی در حوزه انرژی است و نکته صریح‌تر در این مورد را می‌توان در سیاست‌های کلی ابلاغی مقام معظم رهبری در بخش نفت و گاز مشاهده کرد. در بند ۶ از این سیاست‌های ابلاغی به صراحت به امر بهره‌برداری از موقعیت منطقه‌ای و جغرافیایی کشور برای خرید و فروش، فرآوری، پالایش، معاوضه و انتقال نفت و گاز منطقه به بازارهای داخلی و جهانی اشاره می‌شود که جز با بهره‌گیری از یک دستگاه دیپلماتیک توانمند و کارآمد در امر انرژی به وقوع نخواهد پیوست. همچنین، سیاست جمهوری اسلامی ایران باید با اتکا به منابع نفتی در پی ابداع و یافتن روش‌های جدید در سیاست خارجی باشد که راه را برای تبدیل شدن به یک قطب مستقل قدرت، دست‌کم در خاورمیانه فراهم آورد. به گونه‌ای که در سیاست‌های کلان حوزه انرژی بر ضرورت اتخاذ تدابیر و راهکارهای مناسب برای گسترش اکتشاف نفت و گاز تأکید شده است. این امر در شرایطی حاصل می‌شود که شناخت کاملی از منابع اقتصادی کشور وجود داشته باشد؛ به این ترتیب، دیپلماسی انرژی را می‌توان گامی مؤثر در راستای شناخت کامل منابع، افزایش ظرفیت تولید صیانت‌شده منابع انرژی و توسعه فناوری در زمینه منابع و صنایع انرژی به‌ویژه در حوزه نفت، گاز و

پتروشیمی دانست (نوروزی، ۱۳۹۳)

۶. کاهش وابستگی به نفت

تجربه بسیاری از کشورهای با منابع طبیعی غنی، مانند کشورهای نفتی، رشد اقتصادی ضعیفی را نشان می‌دهد. این امر بیانگر آن است که بین وفور منابع طبیعی و رشد اقتصادی یک رابطه معکوس وجود دارد که در ادبیات توسعه به پدیده «شومی منابع» معروف است، زیرا منابع طبیعی به‌عنوان ثروت کشور محسوب شده و صادرات آن نیز قدرت خرید واردات را افزایش می‌دهد؛ درحالی‌که انتظار می‌رود وفور منابع طبیعی، سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی را تقویت کند (درگاهی، ۱۳۹۲: ۳). یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های ژئوپلیتیکی کشورهای نفت‌خیز خاورمیانه، عدم اتکای کامل آنها به تفکرات انسانی ملت‌هایشان، به‌دلیل وابستگی شدید آنها به درآمد نفت است که آن هم از خارج تأمین می‌شود (ذوالفقاری، ۱۳۸۶: ۱۲). با توجه به اینکه دولت ایران وابستگی زیادی به درآمدهای نفتی دارد، به‌گونه‌ای که آمارهای رسمی کشور نیز این موضوع را تأیید می‌کند یا به‌نوعی اقتصاد ایران یک اقتصاد تک‌محصولی است، اعمال این تحریم‌های اقتصادی، نفتی و بانکی نه‌تنها میزان تولید و صادرات نفت و فرآورده‌های نفتی ایران را کاهش داده است، بلکه دسترسی ایران به درآمد حاصل از فروش نفت را نیز با مشکلات فراوانی مواجه کرده است.

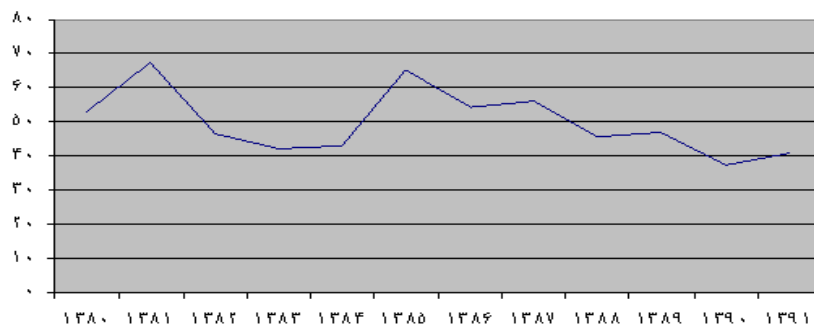
جدول شماره (۱). روند سهم نفت در تأمین منابع عمومی بودجه کشور (عملکرد) (میلیارد ریال)

سال	جمع منابع عمومی دولت	منابع نفتی*	نسبت نفت به کل منابع
۱۳۸۰	۱۴۱۸۷۵	۷۴۹۵۷	۵۳
۱۳۸۱	۲۲۹۹۶۴	۱۵۵۳۱۸	۶۸
۱۳۸۲	۳۶۷۲۶۰	۱۷۱۴۴۴	۴۷
۱۳۸۳	۴۹۰۱۰۳	۲۰۵۷۸۹	۴۲
۱۳۸۴	۷۳۷۸۶۶	۳۱۶۳۷۷	۴۳
۱۳۸۵	۵۷۴۹۸۹	۲۷۴۱۰۹	۶۵
۱۳۸۶	۶۱۹۰۶۸	۲۳۶۰۶۳	۵۴
۱۳۸۷	۸۱۴۲۷۰	۴۵۶۵۱۱	۵۶
۱۳۸۸	۸۴۵۲۷۹	۳۸۷۳۳۸	۴۶
۱۳۸۹	۹۷۱۰۷۴	۴۵۶۱۵۲	۴۷
۱۳۹۰	۱۵۴۵۸۶۷	۵۸۱۱۱۸	۲۸
۱۳۹۱	۱۴۴۲۶۹۹	۶۸۳۶۰۸	۴۷

مأخذ: قوانین بودجه سنواتی (به نقل از امیریان، ۱۳۹۱)

* منابع نفتی از حاصل جمع منابع درج‌شده در واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای ناشی از فروش نفت، استفاده از حساب ذخیره ارزی، مالیات بخش نفت و سود سهام دولت در شرکت نفت به‌دست آمده است.

نمودار شماره (۱). سهم منابع نفتی در تأمین بودجه عمومی کشور



قوانین بودجه سنواتی (به نقل از امیریان، ۱۳۹۱) بنابراین ضروری‌ترین و مؤثرترین راه برای مقابله و کاهش پیامدهای تحریم‌های نفتی، کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی در تأمین بودجه و هزینه‌های جاری کشور است. از این دیدگاه می‌توان تحریم‌ها را به‌عنوان فرصتی برای کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی در نظر گرفت. برای کاهش این وابستگی راهکارهای متعددی وجود دارد که در زیر به مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنیم.

۷. حمایت از تولید ملی

حرکت به‌سمت اقتصاد بدون نفت منوط به این است که خواسته‌ها و نیازهای داخلی را از محل تولید داخلی تأمین کنیم نه از محل فروش نفت و فرآورده‌های نفتی، که تنها به افزایش واردات منجر می‌شود. اینکه درآمدهای حاصل از فروش نفت برای اداره امور جاری کشور هزینه شود و یا به‌صورت نقدی در اختیار مردم قرار گیرد، نه تنها باعث افزایش نقدینگی در بازار و بالا رفتن میزان تورم شده، بلکه باعث کاهش میزان تولید نیز خواهد شد. در نتیجه شاهد یک رکود تورمی در درون اقتصادی که با تحریم‌های گسترده روبه‌رو است خواهیم بود. بنابراین برای مقابله با اثرات تحریم و ترمیم بافت‌های آسیب‌دیده بدنه اقتصاد کشور ناگزیر باید درآمدهای عظیم نفتی را در زیرساخت‌های اساسی اقتصادی و در امر تولید و دیگر زمینه‌های مولد و پول‌ساز سرمایه‌گذاری کنیم که این درآمدها یک بازخورد مثبت برای اقتصاد کشور از خود نشان دهند. نکته‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد این است که هرچه سهم کشورها در تجارت بین‌المللی بالاتر باشد، احتمال دست زدن به تحریم علیه

آنها کمتر است و هرچقدر سهم تجارت بین‌الملل در تولید ناخالص کشور بیشتر باشد، درجه آسیب‌پذیری کشور از تحریم بیشتر خواهد شد (میرعمادی، ۱۳۹۰: ۸۵). لذا کشورها می‌توانند با افزایش تولید ملی و تکیه بر محصولات بومی و داخلی تحریم اقتصادی را خنثی کنند.

۸. کوچک کردن بدنه دولت و کاهش هزینه‌های جاری

یکی دیگر از راهکارهای کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی، کوچک کردن دولت و منطقی کردن حجم آن است که در قانون برنامه چهارم پیش‌بینی شده اما برای عملی ساختن این برنامه هنوز اقدامات مؤثری انجام نشده است. در واقع کوچک کردن بدنه دولت بیانگر تقویت بخش خصوصی است و با تقویت بخش خصوصی و الزام دولت به انجام کارهای حاکمیتی به‌جای امور تصدی‌گری، خودبه‌خود هزینه‌های جاری دولت کاهش می‌یابد و کاهش هزینه‌ها منجر به این می‌شود که وابستگی ما به نفت هم کمتر شود. بنابراین بخش اعظم درآمدهای نفتی صرف حقوق و دستمزدها نخواهد شد (کاتب، ۱۳۹۲: ۱).

۹. استقرار نظام مالیاتی در کشور

اتخاذ رویکردی برای ارتقای ظرفیت و کوشش مالیاتی برای افزایش سهم درآمدهای مالیاتی از منابع بودجه، یکی دیگر از راهکارهای کاهش وابستگی به درآمدهای نفت است. اصولاً در کشورهای متکی به منابع عظیم نفت، سهل‌الوصول بودن درآمدهای نفتی، انگیزه تلاش جدی دولت‌ها برای کسب و افزایش درآمد از محل مالیات را از بین برده است. به عقیده کارشناسان اقتصادی مهم‌ترین علت حاکمیت رکود، تورم بالا و رشد اقتصادی پایین در این قبیل کشورها، وابستگی به درآمدهای نفتی و سهم اندک درآمدهای مالیاتی در تأمین بودجه آنها است (طیبنیا، ۱۳۹۲: ۳). در شاکله نظام اقتصادی ایران هم، وابستگی به درآمدهای نفتی باعث شده است کارایی و بهره‌وری در نظام اقتصادی کشور در حداقل ممکن و پایه‌های مالیاتی کشور بسیار ضعیف باشد. بنابراین اتخاذ راهبردهایی نظیر بهبود محیط کسب‌وکار و خصوصی‌سازی، ارتقای توانمندی‌های بخش خصوصی، جذب سرمایه‌های خارجی و به‌کارگیری سرمایه‌های داخلی، ساده‌سازی نظام مالیاتی،

گسترش نظام مالیاتی، تلاش برای جلوگیری از فرار مالیاتی و افزایش توان مالیات‌ستانی، با استقرار نظام جامع مالیاتی در کشور و... در راستای کاهش وابستگی به نفت ضرورت دارد. در واقع هدف از مالیات‌ستانی صرفاً درآمدزایی برای دولت نیست، بلکه مالیات در نظام اقتصادی نقش هدایت‌گری و تنظیمی دارد که چه‌بسا از نقش درآمدی آن مهم‌تر است. با تدوین نظام جامع مالیاتی می‌توان از حرکت جریان سرمایه‌ها به سمت بازارهای موازی تولید مانند خرید و فروش زمین، مسکن و طلا و... جلوگیری کرد و موجب رونق تولید شد (بنی‌طبا، ۱۳۹۱: ۳).

۱۰. توجه به شرکت‌های دانش‌بنیان

در شرایط کنونی برای کاهش وابستگی به درآمد نفتی باید کشور را با اقتصاد دانش‌بنیان اداره کرد که این خود مسیر رسیدن به اقتصاد مقاومتی را نیز هموار می‌کند.^۱ در عصر حاضر، دانش و نوآوری اساسی‌ترین عامل پیشرفت در عرصه‌های صنعتی و اقتصادی محسوب می‌شوند و پایدارترین رشد اقتصادی در جهان مربوط به اقتصادهای دانایی‌محور است. در این بین موتور محرک این اقتصادها، شرکت‌های کوچک دانش‌بنیان هستند (فخاری و دیگران، ۱۳۹۲: ۱-۲). با در نظر گرفتن جایگاه برجسته ایران در حوزه علم و فناوری، توجه ویژه به توسعه هدفمند شرکت‌های دانش‌بنیان و صنایع پیشرفته با محوریت پژوهش، فناوری و نوآوری می‌تواند زمینه ورود علم و دانش به عرصه فعالیت‌های اقتصادی از محل رویکرد تجاری‌سازی یافته‌های پژوهشی را فراهم کند. همچنین تهیه و تدوین هرچه سریع‌تر سازمان نظام مهندسی صنعت به‌عنوان بازوی اصلی رشد تولید ملی و برنامه‌ریزی عملیاتی در راستای ارتباط و هماهنگی دانشگاه با صنعت در راستای رشد تولید ملی از دیگر ضرورت‌های این بخش است که باید مورد توجه قرار گیرند. از این طریق می‌توان اقتصاد کشور را به جای تکیه بر پایه دارایی به سمت اقتصاد مبتنی بر علم و دانش روز هدایت کرد تا به این ترتیب علاوه بر حمایت از تولیدات ملی، به رشد شاخص اقتصادی نیز دست یافت. استفاده از علم و دانش در اقتصاد به خلق ثروت بدون نیاز به درآمد حاصل از فروش نفت برای کشور منجر خواهد شد.

۱. بیانات رهبری در دیدار جمعی از پژوهشگران و مسئولان شرکت‌های دانش‌بنیان، ۱۳۹۱/۵/۸

۱۱. استفاده از ظرفیت‌های ناشی از کاهش ارزش پول ملی در شرایط تحریم تحریم یک کشور به‌عنوان یکی از عوامل اصلی افزایش ریسک‌پذیری فضای اقتصاد محسوب می‌شود، زیرا با کاهش منابع عرضه عوامل تولید در اقتصاد و همچنین با تنزل سهم اقتصاد کشور از بازارهای جهانی، از یک‌سو فاصله ایران را با سایر کشورها به تدریج افزایش خواهد داد و از سوی دیگر سبب کاهش ارزش ریال در مقابل ارزهای رایج دنیا می‌شود که یکی از نتایج مهم آن تورم (افزایش بی‌رویه قیمت‌ها) است؛ به‌گونه‌ای که نرخ تورم طی سال‌های پس از انقلاب اسلامی رشد قابل ملاحظه‌ای داشته است.

جدول شماره (۲). نرخ تورم در سال‌های پس از انقلاب

سال	نرخ تورم	سال	نرخ تورم	سال	نرخ تورم
۱۳۵۷	۱۰	۱۳۶۹	۹	۱۳۸۱	۱۵/۸
۱۳۵۸	۱۱/۴	۱۳۷۰	۲۰/۷	۱۳۸۲	۱۵/۶
۱۳۵۹	۲۳/۵	۱۳۷۱	۲۴/۴	۱۳۸۳	۱۵/۲
۱۳۶۰	۲۲/۸	۱۳۷۲	۲۲/۹	۱۳۸۴	۱۰/۴
۱۳۶۱	۱۹/۲	۱۳۷۳	۳۵/۲	۱۳۸۵	۱۱/۹
۱۳۶۲	۱۴/۸	۱۳۷۴	۴۹/۴	۱۳۸۶	۱۸/۴
۱۳۶۳	۱۰/۴	۱۳۷۵	۲۳/۲	۱۳۸۷	۲۵/۴
۱۳۶۴	۶/۹	۱۳۷۶	۱۷/۳	۱۳۸۸	۱۰/۸
۱۳۶۵	۲۳/۷	۱۳۷۷	۱۸/۱	۱۳۸۹	۱۲/۴
۱۳۶۶	۲۷/۷	۱۳۷۸	۲۰/۱	۱۳۹۰	۲۱/۵
۱۳۶۷	۲۸/۹	۱۳۷۹	۱۲/۶	۱۳۹۱	۳۰/۵
۱۳۶۸	۱۷/۴	۱۳۸۰	۱۱/۴	۱۳۹۲	۳۴/۷

منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

در این مورد ذکر این موضوع حائز اهمیت است که اگرچه کاهش ارزش ریال همواره آسیب‌هایی برای اقتصاد ایران در پی داشته است، اما این کاهش ارزش پول ملی می‌تواند عاملی برای افزایش صادرات شود. از این دیدگاه که اغلب در ادبیات اقتصادی استدلال می‌شود، کاهش ارزش پول ملی ابزاری برای تحریک رشد اقتصادی از طریق ترویج صادرات است که به‌طور سنتی اثری انبساطی در خروجی اقتصاد یک کشور خواهد داشت (Asif, 2011: 394). به‌عبارت دیگر، عقل متعارف پیش‌بینی می‌کند که در صورت کاهش ارزش پول، تقاضا در خارج از کشور بیشتر شده و این امر باعث صادرات ارزان‌تر و جایگزینی واردات خواهد شد که در نهایت باعث رشد اقتصادی می‌شود (de Piñeres and Cantavella-Jordá, 2010: 3). از این منظر، مهم‌ترین مفهوم در رابطه با کاهش ارزش پول این است که یک کشور در حال توسعه می‌تواند صنعت صادرات



خود را از طریق دست‌کاری در نرخ ارز متحول کند. حتی زمانی که شرایط داخلی و خارجی با عملکرد خود باعث کاهش ارزش پول می‌شود، چنین اقداماتی رشد صادرات را تسهیل و زمینه افزایش فعالیت اقتصادی را به وجود می‌آورند (Ezezew, 2011: 6). در واقع، کاهش ارزش پول باید تراز تجاری اقتصاد را از طریق صادرات در بازارهای بین‌المللی افزایش داده و حجم صادرات را بهبود بخشد. از سوی دیگر این کاهش ارزش، باعث می‌شود واردات گران‌تر شود که این امر منجر به واردات کمتر برحسب پول داخلی خواهد شد (Muhammad, 2009: 86) به گونه‌ای که اگر هدف سیاست‌گذاران در یک کشور در حال توسعه، رسیدن به توسعه اقتصادی و در نتیجه افزایش رشد خروجی باشد، کاهش ارزش پول می‌تواند در نرخ رشد تولید واقعی اثر مهمی داشته باشد. مکانیسم مثبت این اثر از آن نظر است که تقاضای داخلی به واردات کالاهای خارجی را پرهزینه‌تر و صنایع رقابتی‌تر در بازارهای بین‌المللی با تحریک تولیدات داخلی کالاهای قابل معامله، با صادرات بیشتر مواجه شده و القای صنایع داخلی به استفاده از ورودی‌های داخلی را هموار می‌سازد (Mustafa, 2000: 62-63)؛ تا آنجا که ادبیات بالا از حیث تاریخی قابل بررسی است. برای نمونه، از علل رشد معجزه‌آسای صادرات ترکیه بین ۱۹۸۷-۱۹۸۰، که در نهایت به رشد اقتصادی این کشور منجر شد و آن را از بحران بدهی در اواخر دهه هفتاد خارج کرد، کاهش نرخ پول ملی بود که تأثیر بسزایی در رشد صادرات آنها داشت. در همین راستا تحقیقات انجام شده در مورد نپال حاکی از آن است که کاهش نرخ پول ملی باعث افزایش رقابت تولیدکنندگان داخلی در بازارهای بین‌المللی و افزایش صادرات خالص نپال شد (Alam, 2010: 207). علاوه بر این می‌توان به چین اشاره کرد که همواره خواهان پایین نگه داشتن ارزش پول خود در برابر ارزهای خارجی است و همین مسئله چالشی بین این کشور با آمریکا ایجاد کرده است. به گونه‌ای که آمریکا اصرار دارد که چین نباید ارزش پول خود را پایین نگه دارد (The Economist online, 2011). این نگرانی در حالی است که آمریکا خود، با کاهش ارزش پول ملی در راستای افزایش صادرات گام برمی‌دارد. در این زمینه، فدرال رزرو با کاهش ارزش دلار از طریق سیاست‌هایی همچون کاهش کمی چاپ پول و نرخ بهره صفر، موفق شد صادرات ایالات متحده را تا دو برابر افزایش دهد (Rickards, 2012). موارد یادشده نشان‌دهنده آن است که یکی از راه‌های ایجاد تحرک در صادرات و توسعه

اقتصادی در هر کشوری از جمله ایران، کاهش ارزش پول محسوب شده که نمود خود را با افزایش صادرات آشکار می‌سازد.

بنابراین، در شرایط تحریم و کاهش ارزش پول ملی، کشور مورد تحریم می‌تواند با باز کردن دروازه صادرات خود از تأثیرات سوء تحریم‌ها بکاهد. به گونه‌ای که اعمال و عدم اعمال تحریم، دیگر معنی نخواهد داشت. گواه این مدعا آن است که در حال حاضر مرزهای داخلی برخلاف سال‌های دهه ۱۳۶۰، به‌خاطر گران شدن دلار، برای صادرات کالاهای داخلی باز است. این توسعه صادرات را می‌توان به‌عنوان فرصت نگریست. بنابراین با کاهش ارزش پول ملی و افزایش قیمت دلار، با توسعه صادرات و کمبود واردات روبه‌رو می‌شویم. نکته بعدی این است که با توجه به اقتصاد وارداتی ایران و کاهش ارزش پول، واردات محصولات خارجی با دشواری صورت می‌گیرد، زیرا پرهزینه‌تر شده و به همین دلیل احتمالاً رقابت‌پذیری صنایع و محصولات ایران افزایش یافته و در نتیجه تولیدات داخلی بیشتر خواهد شد و ناگزیر به عرصه‌ای برای رونق صنعت کشورمان تعیین پیدا خواهد کرد. با افزایش نرخ ارز، بخش صادرات تهییج می‌شود؛ یعنی باعث می‌شود که محصولات بیشتری صادر شود و از این طریق می‌توانیم از اقتصاد تک‌محصولی فاصله گرفته و به اقتصاد صادراتی چندمنظوره دست یابیم. اگرچه این نکته را باید در نظر داشت که کاهش ارزش پول ملی زمانی می‌تواند باعث بهبود اوضاع اقتصادی داخلی شود که ظرفیت‌های تولید داخلی در برابر افزایش قیمت دلار کشش‌پذیری لازم را داشته باشد؛ یعنی با بالا رفتن نرخ دلار، تولید داخلی باید از این پتانسیل برخوردار باشد که ظرفیت‌های داخلی را افزایش داده و از محل ظرفیت‌های تولیدی جدید، از طریق مازاد نیاز بر تولید داخلی، صادرات صورت گیرد. در نتیجه باید منبع لازم برای ایجاد ظرفیت تولیدی کشور فراهم شود؛ از این‌رو باید آمیزه‌ای از راهبردهای جایگزین واردات و توسعه صادرات با استفاده هم‌زمان و موازی از منابع، فرصت‌ها و امکانات اقتصادی اتخاذ شود که از آن با عنوان «الگوی توسعه مختلط و التقاطی» یاد می‌شود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۱۰۸).



۱۲. استفاده از مزیت‌های ترانزیتی و انتقال انرژی از خاک ایران

جمهوری اسلامی ایران با دسترسی به خلیج فارس و دریای عمان در جنوب و دریای خزر در شمال و محصور بودن کشورهای شمالی آن و دسترسی نداشتن آنها به دریای آزاد، از جمله کشورهایی است که به لحاظ موقعیت ممتاز جغرافیایی از مزیت‌های ترانزیتی فوق‌العاده‌ای بهره‌مند بوده و می‌تواند با گسترش شبکه حمل‌ونقل و ارتباطات مطمئن و کارآمد از این مزیت در راستای کسب درآمدهای ارزی و ارتقای موقعیت استراتژیک خود در منطقه به‌نحو مطلوب استفاده کند. در این راستا، منطقه خلیج فارس که حدود ۶۶ درصد از نفت شناخته‌شده جهان را در خود جای داده است و از این حیث مهم‌ترین جایگاه را در مقام محاسبات استراتژیک جهان صنعتی کسب کرده است، دارای اهمیت است (سیف‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۹۹). علاوه بر این، موقعیت ترانزیتی بسیار مناسب ایران، با توجه به اینکه منطقه خلیج فارس، کشورهای عمده تولیدکننده نفت جهان را در خود جای داده و همچنین در اختیار داشتن تنگه هرمز به‌عنوان گلوگاه انرژی جهان و شاه‌راه اصلی نقل‌وانتقال منابع نفتی به کشورهای واردکننده نفت از خاورمیانه، که بیش از ۳۵ درصد از صادرات نفت جهان به کشورهای دیگر از این تنگه می‌گذرد (Carerating, 2008 and Katzman, 2012: 2)، این امکان را برای جمهوری اسلامی ایران فراهم می‌سازد تا بتواند به‌عنوان مرکز تلاقی محورهای تولید و مصرف انرژی خلیج فارس، آسیای مرکزی و قفقاز، شرق آسیا و اروپا از موقعیت توزیع‌کنندگی متمایز برخوردار شود (دهقانی‌فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۹۵).

در این راستا، ایده پل منطقه‌ای، نگاهی راهبردی در سیاست خارجی ایران است که در پی اتصال جغرافیای کشور به پتانسیل‌های ژئواستراتژیک، ژئوپلیتیک، ژئوکالچر و ژئواکونومیک مورد توجه قرار گرفته می‌شود. ایده پل منطقه‌ای تنها نگرش راهبردی است که می‌تواند به شکوفایی شخصیت چندوجهی ایران با حفظ عزت، حکمت و مصلحت منجر شود. هدف اتخاذ سیاست پل منطقه‌ای، ارتقای جایگاه ایران در منطقه و جهان و تبدیل ایران به یک ابرقدرت منطقه‌ای در میان‌مدت و یک قدرت بزرگ جهانی در بلندمدت است. پیگیری سیاست مذکور با افزایش حوزه نفوذ ایران و گره زدن امنیت ایران به امنیت مناطق پیرامونی، توان

بازدارندگی کشور را در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، دفاعی و اجتماعی بسیار بالا می‌برد. همچنین ایفای نقش پل منطقه‌ای گام مهمی در خنثی کردن آثار تحریم‌ها و کاهش وابستگی اقتصاد کشور به نفت و گاز و همین‌طور ایجاد زمینه‌های رشد و توسعه اقتصادی و اشتغال برای جوانان ایران است. این سیاست، پویایی خاصی به اقتصاد ایران خواهد داد و با تبدیل ایران به یک قطب تجاری، ترانزیتی و مسیر انتقال انرژی می‌تواند معضل بیکاری را به حداقل برساند و زمینه توسعه بیشتر در مناطق مختلف کشور را فراهم آورد (پارسایی، ۱۳۹۲).

۱۳. اتخاذ سیاست منطقه‌گرایی فعال و گسترش تعامل و همکاری با دیگر کشورهای جهان

از نظر باری بوزان^۱ و ال ویور^۲ آینده سیستم بین‌المللی، تابعی از شیوه آرایش قدرت در سطوح منطقه‌ای است؛ از این رو، این مناطق هستند که منظومه قدرت را تشکیل می‌دهند. برداشت این دو از منظومه قدرت، نوعی توجه محوری به نقش مناطق و اهمیت ژئوپلیتیکی آنها در منظومه قدرت جهانی است. همچنین آنها معتقدند، امنیت دیگر مفهوم سنتی خود را که در چارچوب مدل وستفالیایی بود، از دست داده و امروزه امنیت چندبعدی شده است. امنیت ملی و امنیت بین‌المللی به وسیله امنیت منطقه‌ای معنا و مفهوم می‌یابد. در نتیجه سیاست خارجی مناسب هر کشوری با توجه به مکتب کپنهاگ، سیاستی است که به امنیت چندبعدی توجهی ویژه دارد و برای کسب امنیت ملی خویش، نگاه ویژه‌ای به امنیت منطقه‌ای خود داشته باشد (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۸۹-۸۶).

امروزه تحولات جهانی به سمت وسویی است که ویژگی اصلی آن تکثر بازیگران (رسمی و غیررسمی) و توزیع قدرت جهانی میان شمار زیادی از بازیگران می‌باشد. این وضعیت رقابت جدی را طلب می‌کند و نیز امکان بازیگری را بیشتر کرده است. در این شرایط که نظام بین‌الملل از یک حالت تک‌قطبی بیرون آمده، ظهور قدرت‌های جدید و نوظهوری همچون روسیه، چین، هند، برزیل، آفریقای

1. Barry Buzan

2. Ole Waver



جنوبی، مالزی و... فرصت‌های مناسبی را برای تنوع‌بخشی به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران فراهم آورده است. همچنین موقعیت جغرافیایی ایران که هم‌زمان در پنج زیرسیستم منطقه‌ای شبه‌قاره هند، آسیای مرکزی، قفقاز، خلیج فارس و خاورمیانه حضور داشته، در کنار همسایگی با پانزده کشور مهم و تأثیرگذار در این مناطق، فرصت‌های بی‌نظیری را در اختیار دستگاه دیپلماسی کشور قرار داده است تا با ایفای نقش بازیگری در قالب «ایده پل منطقه‌ای»، به بهترین شکل بتواند منافع ملی را در راستای اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، سند چشم‌انداز و دیگر اسناد بالادستی تأمین کند؛ بنابراین ضرورت اتخاذ سیاست منطقه‌گرایی فعال و ارزیابی مناسب از منافع ایران در این پنج زیرسیستم بین‌المللی منطقه‌ای، بر هیچ‌کس پوشیده نیست (پارسایی، ۱۳۹۲)؛ تا آنجاکه می‌توان از آن به‌عنوان ابزاری برای رفع و کاهش هزینه تحریم‌ها و ایجاد فرصت برای تأمین منافع ملی بهره‌برداری کرد؛ از این‌رو باید با تقویت زیرساخت‌های اقتصادی کشور به ایجاد همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه در سطح منطقه و جهان اقدام کرد.

نتیجه‌گیری

اغلب این‌گونه استدلال می‌شود که از ابزارهای مهمی که امروزه می‌تواند به‌عنوان اهرم فشار تلقی شود، تحریم اقتصادی است؛ به‌گونه‌ای که از ویژگی‌های مهم هزاره سوم در عرصه بین‌الملل، نفوذ و تحت فشار قرار دادن کشورها با به‌کارگیری ابزار تحریم، به‌ویژه تحریم اقتصادی به‌دلیل کم‌هزینه‌تر بودن آن نسبت به ابزار نظامی است. موضوعی که همواره مدنظر امریکا در تقابل با جمهوری اسلامی ایران به‌دلیل ماهیت ضدهژمونیک آن بوده است. به همین منوال جمهوری اسلامی ایران حدود ۳۵ سال است که به بهانه‌های مختلف، آماج تحریم‌های اقتصادی یک‌جانبه ایالات متحده بوده و در دهه اخیر به‌دلیل پافشاری ایران بر حق مسلم خود برای برخورداری از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای، با تحریم‌های چندجانبه و همه‌جانبه اقتصادی، مالی، بانکی، نفتی، بیمه‌ای و... از سوی امریکا و اتحادیه اروپا و شورای امنیت سازمان ملل روبه‌رو شده است. نظام اقتصادی ایران در این شرایط تا حدودی توانسته است سازوکارهای دفاعی-اقتصادی خاص خود را در مواجهه با این

اقدامات به‌کار گیرد؛ به‌گونه‌ای که می‌توان گفت اقتصاد ایران به‌تدریج به‌صورت اقتصادی بر پایه تحریم شکل گرفته است؛ یعنی نظام اقتصادی به‌مثابه یک ارگانیکسم توانسته است خود را مطابق با شرایط سخت تحریم سامان‌دهی کرده و همگام با تحریم‌ها پیش رود.

اما نظام اقتصادی ایران به‌دلیل فقدان الگو و راهبردی مشخص و پایدار برای مدیریت اقتصاد و مقابله با چالش‌ها و بحران‌های ناشی از تحریم‌ها، از سوی این تحریم‌های گسترده آسیب‌های جبران‌ناپذیری را متحمل شده است. بنابراین ضرورت مقابله با این پیامدها بر کسی پوشیده نیست. لازمه این امر آن است که نظام اقتصادی باید آن درجه از انعطاف‌پذیری را در خود به‌وجود آورد که بتواند پدیده تحریم را از یک چالش به یک فرصت تبدیل کند. از منظر این پژوهش باید به مقوله تحریم به‌عنوان یک فرصت برای شناسایی نقاط آسیب‌پذیر نظام اقتصادی کشور توجه کرد و با استفاده مناسب از این فرصت‌ها برای ترمیم بافت‌های آسیب‌دیده و خنثی‌سازی اثرات تحریم گام برداشت. این امر بیانگر راهبرد استراتژیک «اقتصاد مقاومتی» است؛ راهبردی که برپایه مؤلفه‌هایی چون کم کردن وابستگی‌های اقتصادی، تک‌محصولی نبودن، حمایت از تولیدات داخلی و التزام به مصرف کالاهای داخلی تبیین می‌شود. در یک جمله می‌توان گفت اقتصاد مقاومتی بیانگر تشخیص به‌موقع نقاط آسیب‌پذیر و نقاط فشار و اقدام سریع برای کنترل و بی‌اثر کردن تحریم‌ها و تبدیل محدودیت‌های پیش‌آمده به فرصت است.

یکی از راهبردهای اساسی اقتصاد مقاومتی، به‌کارگیری دیپلماسی انرژی فعال و کارآمد در سیاست خارجی است؛ یعنی با استفاده از ظرفیت‌های اقتصادی و منابع انرژی ملی در چارچوب دیپلماسی انرژی، در راستای تأمین منافع و امنیت ملی گام بردارد. به بیان دیگر، از انرژی به‌مثابه یک ابزار سیاسی برای تأمین منافع ملی استفاده کنیم. از دیگر فرصت‌هایی که تحریم‌های اقتصادی به‌ویژه تحریم‌های نفتی پیش‌روی ما قرار می‌دهد، کاهش وابستگی به درآمدهای فروش نفت است. با توجه به اینکه تحریم نفت ایران همواره جزء ثابت دامنه تحریم‌های انجام‌شده از سوی آمریکا و غرب بوده است و به‌نوعی آنان نفت را پاشنه آشیل ایران قلمداد می‌کنند، ایران می‌تواند با حمایت از تولید ملی، کوچک کردن بدنه دولت و کاهش هزینه‌های



جاری، استقرار نظام جامع مالیاتی در کشور، توجه به بخش صنعت و کشاورزی و توجه به شرکت‌های دانش‌بنیان، وابستگی به درآمدهای نفت و فرآورده‌های نفتی را کاهش دهد.

یکی دیگر از فرصت‌های به‌دست‌آمده از تحریم، استفاده از ظرفیت‌های ناشی از کاهش ارزش پول ملی در شرایط تحریم در راستای افزایش صادرات است. یکی از راه‌های ایجاد تحرک در صادرات و توسعه اقتصادی در هر کشوری از جمله ایران، کاهش ارزش پول محسوب می‌شود. چون در شرایط تحریم و کاهش ارزش پول ملی، کشور مورد تحریم می‌تواند با باز کردن دروازه صادرات خود از تأثیرات سوء تحریم‌ها بکاهد. از دیگر راهبردهایی که نظام اقتصادی ایران برای درپیش گرفتن اقتصاد مقاومتی می‌تواند به آن اتکا کند، اتخاذ سیاست پل منطقه‌ای و استفاده از مزیت‌های ترانزیتی و انتقال انرژی از خاک ایران است. جمهوری اسلامی ایران با برخورداری از موقعیت ژئوپلیتیک و ظرفیت بالای انرژی به‌ویژه در حوزه نفت و گاز و دسترسی به خلیج فارس و دریای عمان در جنوب و دریای خزر در شمال و محصور بودن کشورهای شمالی آن و دسترسی نداشتن آنها به دریای آزاد، از جمله کشورهایی است که به‌لحاظ موقعیت ممتاز جغرافیایی از مزیت‌های ترانزیتی فوق‌العاده‌ای بهره‌مند است. این ظرفیت‌ها این امکان را برای ایران فراهم می‌سازد تا بتواند نقش واسط و انتقال‌دهنده نفت و گاز منطقه به خارج از منطقه و یا در میان کشورهای منطقه را از راه شبکه‌های خطوط لوله ایفا کند.

آخرین راهبردی که به‌عنوان لازمه اقتصاد مقاومتی در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته، اتخاذ سیاست منطقه‌گرایی فعال و گسترش تعامل و همکاری با دیگر کشورهای جهان است. با در نظر گرفتن نقش مناطق و اهمیت ژئوپلیتیکی آنها در منظومه قدرت جهانی، همچنین موقعیت جغرافیایی ایران که هم‌زمان در پنج زیرسیستم منطقه‌ای شبه‌قاره هند، آسیای مرکزی، قفقاز، خلیج فارس و خاورمیانه حضور دارد، ایفای نقش بازیگری در قالب «ایده پل منطقه‌ای»، به بهترین شکل می‌تواند منافع ملی را در راستای اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، سند چشم‌انداز و دیگر اسناد بالادستی تأمین کند. در پایان می‌توان گفت کشورهای نظیر ایران که از موقعیت ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و نقاط قوت اقتصادی متعددی

برخوردارند در شرایطی که با اعمال تحریم‌های اقتصادی روبه‌رو شوند، با به‌کارگیری صحیح این ظرفیت‌های خود می‌توانند در راستای خنثی کردن اثرات تحریم‌ها گام برداشته و از فرصت‌های ناشی از تحریم در راستای تأمین منافع ملی خود استفاده کنند.

منابع

الف - فارسی

- ابراهیمی، محسن و معصومه زیرک. ۱۳۹۱. «رابطه علی شاخص مقاومتی و سرمایه گذاری در ایران: تحلیل تجربی از اقتصاد مبتنی بر رویکرد مقاومتی»، *مجله اقتصادی-دوماهنامه بررسی مسائل و سیاست های اقتصادی*، شماره ۹ و ۱۰.
- امیریان، سعید. ۱۳۹۱. «نقش نفت در تأمین منابع بودجه عمومی کشور»، *هفته نامه خبری-تحلیلی برنامه*، شماره ۴۶۹.
- ایوانز، گراهام و جفری نونام. ۱۳۸۱. *فرهنگ روابط بین الملل*، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: نشر میزان.
- بوزان، باری و ال ویور. ۱۳۸۸. *مناطق و قدرت ها: ساختار امنیت بین الملل*، ترجمه رحمان قهرمانپور، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بنی طب، سید مهدی. ۱۳۹۱/۱۲/۳. «بودجه و اقتصاد مقاومتی»، در: <http://tabyincenter.ir/index>.
- بیانات رهبری در بازدید از مجموعه صنعتی مینا و دیدار با کارگران، ۱۳۹۳/۲/۱۰.
- بیانات رهبری در دیدار با جمعی از پژوهشگران و مسئولان شرکت های دانش بنیان، ۱۳۹۱/۵/۸.
- بیانات رهبری در جلسه تبیین سیاست های اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰.
- بیانات رهبری در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۲/۱/۱.
- بیانات رهبری در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۳/۱/۱.
- بیانات رهبری در دیدار با جمعی از کارآفرینان سراسر کشور، ۱۳۸۹/۶/۱۶.
- بیانات رهبری در دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۱/۶/۲.
- بیانات رهبری در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۹۱/۵/۳.
- پارسایی، سید مهدی. ۱۳۹۲/۳/۲۵. «طرحی برای سیاست خارجی ایران: بازیگری در قالب پل منطقه ای»، مرکز مطالعات بین المللی صلح، در:
- <http://peace-ipsc.org/fa>
- پوراحمدی، حسین و مهدی ذوالفقاری، آبان ۱۳۸۹، «دیپلماسی انرژی: منافع و امنیت جمهوری اسلامی ایران»، در: *مجموعه مقالات نفت و سیاست خارجی*، به

سفارش پژوهشکده تحقیقات راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام، صص ۱۸۴-۱۵۳.

پوراحمدی، حسین. ۱۳۸۶. «اقتصاد سیاسی دیپلماسی کارآمد در نظام جهانی؛ مبانی، ابزارها و راهکارها»، *دانش سیاسی*، شماره ۵.

پوراحمدی، حسین و مهدی ذوالفقاری. ۱۳۸۹. «دیپلماسی انرژی و منافع و ملی جمهوری اسلامی ایران»، *دانش سیاسی*، سال پنجم، شماره اول.

ترابزاده جهرمی، محمدصادق و همکاران. ۱۳۹۲. «بررسی ابعاد و مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای»، *مطالعات انقلاب اسلامی*، شماره ۳۲.

حجازی، حسین. ۱۳۸۷. «ظرفیت‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در مقابله با تهدیدات نرم امریکا»، *گزارش جمهور/ ضمیمه فصلنامه تخصصی نامه دولت اسلامی*، شماره ۲۶ و ۲۷.

خامنه‌ای، علی. ۱۳۹۱. «اقتصاد مقاومتی از دیدگاه مقام معظم رهبری حفظه‌الله»، *مبلغان*، شماره ۱۶۳.

کاتب، غلامرضا. ۱۳۹۲/۸/۶. «کوچک کردن دولت و کاهش هزینه‌ها، راهکار کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی»، در:

<http://isna.ir/fa/news/92080603330>.

درگاهی، حسن. ۱۳۹۲/۴/۲. «چرا دلارهای نفتی در اقتصاد ایران به رشد تولید و اشتغال منجر نشد»، در:

<http://www.eghtesadema.com/Pages/News-6572>.

دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. ۱۳۸۹. *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: سمت.

ذوالفقاری، مهدی. ۱۳۸۶. «ژئوپلیتیک خلیج فارس؛ ایران و امریکا، تهدیدها و فرصت‌های فراروی جمهوری اسلامی»، در:

http://pub.isu.ac.ir/Rahavard-e-Siasi/15/Rahavard-e-Siasi_1504.htm.

سریع‌القلم، محمود. ۱۳۷۰. *سیاست خارجی جمهوری اسلامی: بازبینی نظری و پارادایم ائتلاف*، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.

طیبنیا، علی. ۱۳۹۲/۸/۲۰. «آثار مثبت تحریم‌ها برای اقتصاد ایران»، در:

<http://www.mehrnews.com/detail/News/2173634>.

سیف، اله‌مراد. ۱۳۹۱. «الگوی پیشنهادی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران»، *آفاق امنیت*، شماره ۱۶.

سیف‌زاده، سیدحسین. ۱۳۸۴. *سیاست خارجی ایران، رهیافت نظری-رویکرد عملی*، تهران: نشر میزان.

علیخانی، حسین. ۱۳۸۴. *تحریم ایران: شکست یک سیاست*، ترجمه محمد متقی‌نژاد، تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات.

فخاری، حسین و دیگران. ۱۳۹۲. «بررسی اثرات تحریم‌های اقتصادی بر عملکرد

- شرکت‌های دانش‌بنیان کشور»، *فصلنامه سیاست علم و فناوری*، سال پنجم، شماره ۳.
- متقی، ابراهیم. ۱۳۹۰. «دیپلماسی انرژی ایران: الگوها و روندها»، *فصلنامه دیپلماسی انرژی*، سال اول، شماره ۳.
- محمدی‌مقدم، یوسف و همکاران. ۱۳۹۲. «بررسی رابطه اقتصاد مقاومتی، گرایش کارآفرینانه و مدیریت دانش»، *مدیریت سازمان‌های دولتی*، شماره ۲.
- معمارنژاد، عباس. ۱۳۵۴. «اقتصاد دانش‌بنیان: الزامات، نماگرها، موقعیت ایران، چالش‌ها و راهکارها»، *فصلنامه اقتصاد و تجارت نوین*، شماره ۱.
- منصوری، عزیززی. ۱۳۸۹. «تحریم‌های بین‌المللی: نگاهی به تصویب قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال بیست و چهارم، شماره ۲.
- میرعمادی، طاهره. ۱۳۹۰. «چارچوبی برای ارزیابی راهبردهای مقابله با تحریم از منظر نظام ملی نوآوری»، *فصلنامه سیاست علم و فناوری*، سال سوم، شماره ۴.
- میرمعزی، سیدحسن. ۱۳۹۱. «اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن (با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری)»، *اقتصاد اسلامی*، شماره ۴۷.
- هالستی، کی. جی. ۱۳۷۳. *مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل*، ترجمه بهرام مستقیمی و مسعود طاهری، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- هزاوئی، سیدمرتضی و علی زیرکی حیدری. ۱۳۹۲. «اقتصاد مقاومتی؛ راهکار تحول اقتصاد سیاسی ایران»، *مطالعات افکار عمومی*، شماره ۵.
- واعظی، محمود. ۱۳۸۹. «دیپلماسی انرژی ایران و قدرت‌های بزرگ در خلیج فارس»، *مجموعه مقالات نفت و سیاست خارجی*، پژوهشکده تحقیقات راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- نوروزی، محمد. ۱۳۹۳. «دیپلماسی انرژی در جمهوری اسلامی ایران، دیپلماسی انرژی-مسائل نفت ایران»، ۲۹ تیر
- www.icmstudy.ir.
- یزدان‌فام، محمود. ۱۳۸۵. «تحریم‌های بین‌المللی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، *مطالعات راهبردی*، شماره ۳۴.

ب - انگلیسی

- Alam, Md. Rafayet. 2010. "Impact of Real Depreciation of Taka on Export Earning of Bangladesh: A Causality Analysis", from: <http://www.wbiconpro.com/210-Rafayet.pdf>.
- Asif, Muhammad and ed. 2011. "Devaluation and Output Growth: Evidence from Pakistan", *Mediterranean Journal of Social Sciences*, ISSN 2039 - 2117, Vol. 2, No.2.
- Burghelea, Cristina. 2010. "The Health of the Economy as a Living Organism, The Bucharest Academy of Economic", *Studies Theoretical and*

Applied Economics, Vol. XVII, No. 2 (543).

- Careratings. 2012. "Impact of Iran Crisis", February 28, www.careratings.com/Portals/0/.../Impact%20of%20Iran%20Crisis.pdf.
- Cordesman, Anthony H and Khalid R. Al-Rodhan. 2006. "Iranian Nuclear Weapons? The Uncertain Nature of Iran's Nuclear Programs", www.csis.org/burke.
- Cox, Robert W. 1994. "Global Restructuring: Making Sense of the Changing International Political Economy", in: Richard Subbs and Geoffrey R.D. Underhill, **Political Economy and Changing Global Order**, McClelland & Stewart.
- de Piñeres, Sheila Amin Gutiérrez an & Manuel Cantavella-Jordá. 2010. **Short-run Effects of Devaluation: A Disaggregated Analysis of Latin American Exports**, Vol. 42, Issue 2.
- Ezezew, Wondemhunegn. 2011. "Ethiopia's Reforms and Export Performance", from: <http://www.ethiomeia.com/above/2216.html>.
- GAO .2007. Iran Sanctions, **Impact in Furthering U.S. Objectives Is Unclear and Should Be Reviewed**, December.
- Ilias, Shayerah. 2010. "Analyst in International Trade and Finance: Iran's Economic Conditions: U.S. Policy Issues", **CRS Report for Congress**, April 22.
- Jentleson, Bruce W. 2007. "Sanctions against Iran: Key Issues", **A Century Foundation Report**.
- Katzman, Kenneth. 2012. "Iran Sanctions", Specialist in **Middle Eastern Affairs Congressional Research Service**, March 28.
- Krause, Joachim & mallory IV, Charles King. 2010. "The Strategic Implications of the Iranian Nuclear Program", **Aspen Euroean Strategy Forum**, September.
- Miller, Linda. 1977. "Energy, Security And Foreign Policy: A Review Essay", **International Security**, Vol.1, No.4.
- Muhammad, Shahbaz. 2009. "On Nominal and Real Devaluations Relation: An Econometric Evidence for Pakistan, Inter", **Journal of Applied Econometrics and Quantitative Estudies**, Vol. 9, from: <http://www.usc.es/~economet/reviews/ijaeqs915.pdf>.
- Mustafa, A. 2000. "Devaluation in Developing Countries: Expansionary or Contractionary?", **Journal of Economic and Social Research**, from: <http://jesr.journal.fatih.edu.tr/devaluation-macar.pdf>.

- Rickards, James. 2012. "The Silent Victims of the U.S.-China Currency War", from: <http://www.usnews.com/opinion/blogs/economic-intelligence/2012/02/13/the-silent-victims-of-the-us-chinese-currency-war>.
- Ripsman, Norrin M. 2000. ***The Political Economy of Security: A Research and Teaching Agenda***, Vol. 3, No.1, Dalhousie University and Concordia University.
- The Economist online. 2011. "America and China: Is China a Currency Manipulator?" from: <http://www.economist.com/blogs/dailychart/2011/10/america-and-china>.
- Verma, Shiv Kumar. 2007. "Energy Geopolitics and Iran- Pakistan- India Gas Pipeline", ***Energy Policy***, 35.
- Wang, Huili et al. 2013. "Economy is an Organism - a Comparative Study of Metaphor in English and Russian Economic Discourse", de Gruyter Mouton.